

تأملی در

«حركة الإصلاح الشيعي»

محمدعلی سلطانی



حركة الإصلاح الشيعي. علماء جبل عامل و ادباؤه من
نهاية الدولة العثمانية الى بداية الاستقلال لبنان،
صابرينا ميرفان، مترجم عربي: هيثم الأمين، دارالنهار
لنشر، بيروت، ٦٥٨ ص، ٢٠٠٣، چاپ اول.

این مقاله قسمت بسیار کوتاهی از تحقیق ارزشمند سرکار خانم صابریتا میرفان (Subrina Meruin) محقق فرانسوی است که نخست به زبان فرانسوی نگاشته شده و سپس هیثم الامین در سال ۲۰۰۳ به عربی آن را در دارالنهار للنشر بیروت نشر داد. خانم صابریتا از سال ۱۹۹۲ تا سال ۱۹۹۶ در بیروت و دمشق و به تعبیر دیگر در منطقه شامل درس خوانده است. وی در دمشق در معهد الفرانسی للدرسات العربیّه به تحصیل پرداخت و دکترای خودش را در رشته تحقیقات عربی گرفت و این کتاب پایان نامه دکترای وی است. این بخش از کتاب به سبب اطلاعات مفیدی که در آن بود و خوانندگان فارسی زبان کمتر بدان دسترسی دارند، ترجمه و تقدیم شد.

نقش نشریات در روند اصلاحات در منطقه جبل عامل

در لبنان نخستین نشریه لبنان حدیقه الأخبار بود که در سال ۱۸۷۵ میلادی در شهر بیروت از سوی خلیل خوری پا به عرصه نهاد. این نشریه هیچ گرایش سیاسی خاصی نداشت و روزنامه رسمی حکومتی بود که هفتگی چاپ و نشر می یافت و تا سال ۱۸۶۹ میلادی که نشریه «بیروت الرسمیه» چاپ و نشر یافت به کار خود ادامه می داد. در این سال نشریه دیگری از سوی چاپخانه کاتولیک چاپ و نشر یافت. یک سال بعد پطرس بستانی نخستین مجله سیاسی به نام «الجنان» را منتشر کرد که بعدها آن را ضمیمه نشریه الجنته نمود. در سال ۱۸۷۴ مجله هفتگی دیگری به نام ثمرات الفنون پا به عرصه نهاد. این مجله نخستین مجله ای بود که مسلمانی به نام عبدالقادر قبّانی آن را تأسیس کرد. احمد طلباره برای مدتی طولانی مدیریت آن را به عهده داشت. این نشریه افکار نوی مطرح می کرد و به مآلی گرایی عربی متعهد بود. بعدها در دمشق، حلب و طرابلس نشریات دیگری وارد میدان شدند. در آغاز قرن بیستم مجلات و روزنامه های فراوانی پا به عرصه نهادند، ولی پس از استقرار قانون اساسی در سال ۱۹۰۸، مطبوعات گام های بلندی به سوی پیشرفت برداشتند و در آن سال نزدیک به یکصد عنوان نشریه جدید ظهور کرد و در نتیجه در بخش های مختلف عثمانی

دوباره کار خود را آغاز کرد در سال ۱۹۳۱ میلادی ۱۵۰۰ نسخه آن چاپ می‌گشت که شصت درصد آن به امریکا فرستاده می‌شد. ۷ در سال ۱۹۲۷ اسعد رحال کارها را به پسرش ادیب رحال سپرد و وی مدیر نشریه شد و در سال ۱۹۵۲ ادیب رحال به نفع فرزندش اسعد رحال از مدیریت آن کنار رفت و اسعد رحال دوم نام جدید «مجله جنوب» را به جای نام پیشین برگزید. این نشریه کوچک محلی عمری طولانی داشت و همواره توجه به جبل عامل را وجهه همت خود قرار داد و زبان گویای حوادثی بود که در منطقه اتفاق می‌افتاد و به تاریخ و ادبیات منطقه توجه داشت و در نتیجه بهترین قلم‌های منطقه جبل عامل را به سوی خود کشید.

شاید همین تصمیم مجله یعنی محدودیت در چارچوب مسائل منطقه، موجب پیروزی و موفقیت آن به خصوص نزد مهاجران لبنانی به امریکا بود و از طریق آن ارتباطشان را با منطقه شان حفظ می‌کردند و اخبار منطقه به طور مرتب به آنان می‌رسید. ۸

به جز مجله المرج، العرفان و روزنامه جبل عامل که به تفصیل از آن سخن خواهیم گفت، تا سال ۱۹۲۰ در جبل عامل نشریه‌ای به صورت مرتب، چاپ و نشر نیافت. البته تلاش‌های ناموفق و کوتاه مدتی انجام می‌گرفت از جمله نشریه «الأدب» که در سال ۱۹۱۰ به صورت خطی در روستایی از روستاهای جزین نشر یافت و «القوه» که به اهتمام حاج حسن دبوبق در سال ۱۹۱۲ در صور منتشر می‌گشت و در بیروت چاپ می‌شد. در دهه سوم

۱. ر. ک:

Quelques mostss urla presse arube syrie RMM/11/410-412 (1907) K.T.Khairallah . 7, p69

SP: Silvianaef , la presse en tant aue moteur do renoureeu cultu- mel et litterain: larevue chiite libanaise al-Irfan Etudes asiatiques, revue te la cociete Suisse-asie , 2 , 1996 , P.38 .

۲. العرفان، ج ۳۹، ش ۱، ص ۵، (سال ۱۹۵۱ میلادی).

۳. مجلة المجتمع العلمي العربي، ج ۲۸، ش ۴، ص ۲۴۲.

۴. الشيخ سليمان ظاهر: الرائد العروبي، ص ۵۴-۵۵، احمد ابو ملحم.

۵. سيد محسن امين در ليست كتاب هایش در پایان کتاب شرح حالش از مقالات خود که در کتاب‌ها نوشته یاد می‌کند و در آن لیست مقاله‌ای نیست که پیش از سال ۱۹۰۹ میلادی چاپ کرده باشد، ر. ک: سیره، ص ۱۹۷-۲۰۳.

۶. الحركة الفكرية والادبية في جبل عامل، ص ۵۱، محمد كاظم مكي. از مجله المرج جز چند نسخه که در مدرسه المقاصد فی النبحلیه نگهداری می‌شود، چیزی باقی مانده است.

۷. ر. ک:

Archires MAE corton N1679, Bulletins hebdomadaires din for Mations, Haut-Mommissariat, Beyrouth et Postes, 1926-1931.

۸. الحركة الفكرية والادبية في جبل عامل، ص ۲۰۸ و تطور مدنية الصور الاجتماعية، ص ۷۷، حسن قبيسي.

آن روز حدود ۳۵۰ نشریه به زبان عربی چاپ و نشر می‌یافت. ۱ یک سال پس از آن دو نشریه به نام‌های «المرج» و «العرفان» در جبل عامل به قافله نشریات پیوستند. مردم جبل عامل جز اندکی از ادیبان آنان، چیزی در نشریات نمی‌نوشتند. یکی از آنان احمد عارف الزین بود که از سال ۱۸۹۷ در نشریه «ثمرات الفنون» دست به نگارش یازید و کار خودش را در نشریه «الاتحاد العثمان» و نیز حذیقة الأخبار به عنوان کارمند و نماینده آن مجله در صیدا، ادامه داد. طبق نوشته عارف الزین در مجله العرفان، وی در حذیقة الأخبار علیه ستمگران می‌نوشت، از فساد کارمندان حکومت پرده بر می‌داشت از آزادی و قانون، دفاع می‌کرد. ۲

احمد رضا فرد دیگر از آن مجموعه مقالات خودش را در مجله «المقتطف» که در قاهره منتشر می‌شد، نشر می‌داد. ۳ محمد جابر آل صفا و سلیمان ظاهر دو تن از آن ادیبان ظاهراً تا سال ۱۹۰۹ مقاله‌ای منتشر نکردند، گرچه سلیمان ظاهر از سال ۱۸۹۸ کارمند نشریه لبنان بود و دوست شاعر او ابراهیم الأسود آن را اداره می‌کرد. ۴

شاهدی بر اینکه علمای جبل عامل تا زمان انتشار مجله العرفان چیزی در نشریات می‌نوشتند وجود ندارد و حتی شخصیتی چون سید محسن امین که از سال ۱۹۰۱ میلادی در دمشق سکونت داشت، در نشریات چیزی نمی‌نوشت. ۵

انقلاب ترکان جوان و دستاورد آن، علما را بر دست شستن از سکوت و اقدام به نشر افکارشان تشویق کرد و در نتیجه ادیبان، شاعران و عالمان دینی به نشر مقاله در مجله «العرفان» پرداختند. شاید پاره‌ای از آنان اگر مجله مزبور نشر نمی‌یافت حتی به انتشار نوشته‌هایشان هم دست نمی‌یازیدند. کم‌کم بعضی از آن اندیشوران به نشر آثار و نوشته‌های خود در نشریه‌های بیروت، دمشق و قاهره عادت کردند و در نتیجه اندیشه و افکارشان از گردونه تنگ مجالس و علما و ادبا به سطح گسترده عموم پانهاد. شماری از مسیحیان شهر مرجعین در جنوب لبنان همچون اسفدر رحال، دانیال ز عرب نخستین نشریه منظم را که نشریه کوچک و محدود به چند صفحه به نام «المرج» بود، منتشر کردند. شماره نخست این نشریه در ۲۵ ژانویه سال ۱۹۰۹ نشر یافت ۶ و در آن حرکت افسران جوان ترکیه که نتیجه آن قانون اساسی عثمانی بود مورد تأیید قزار گرفت و مردم را به اصلاحات در جبل عامل فرا خواند.

سلیمان ظاهر در این مجله نگارش «سخن سردبیر» را برعهده داشت و تا زمان جنگ جهانی اول که این نشریه بسته شد، به این کار ادامه داد. نشریه پس از جنگ در زمان حاکمیت فرانسویان به انگیزه دفاع از مصالح منطقه که به نام منطقه لبنان جنوبی شناخته می‌شد،



حومانی مجله «بعد نصف الليل» را در بیروت منتشر نمود و آن را به سال ۱۹۳۵ به «العروبه» تغییر نام داد. وی در این نشریه مقالاتی درباره جامعه، عادت‌ها، زبان عربی، ادب، علوم و هنرها چاپ می‌کرد و هم‌اوردی با نشریه «العرفان» را در سر داشت. اما العروبه نه خوانندگان العرفان را داشت و نه شمار زیاد نویسندگان آن که صیدایی بودند در اختیارش بود و در نتیجه به زودی متوقف شد.^{۱۴}

در نهایت حبیب آل ابراهیم یکی از شخصیت‌های دینی و اهل یکی از روستاهای جبل عامل (روستای حناویه) با تأسیس مجله ای به نام «الهدی» در العماره عراق که در آنجا امور دینی مدرم را در دست داشت، در اواخر دهه دوم قرن بیستم پا به عرصه مطبوعات نهاد. وی در العماره چاپخانه ای از خودش داشت.^{۱۵} او در دهه پنجم قرن بیستم و پس از انتقال به بلبلک مجله دیگری به نام «الاسلام معارفه و فنونه» را منتشر کرد که همه مقالات آن را خودش به تنهایی می‌نوشت. این مجله کاملاً دینی بود و مسائل گوناگونی را که در ارتباط با ارکان دین و مباحث خاص فقهی با توجه به تاریخ، اخلاق و آداب مطرح بود، بررسی می‌کرد و البته چنان که از مجله به دست می‌آید همه این مباحث بر پایه دیدگاه و برداشت‌های خود حبیب آل ابراهیم بود. آل ابراهیم در سال ۱۹۵۳ در بلبلک چاپخانه خاص خودش را به نام چاپخانه اسلام به راه انداخت. قبلاً وی نشریه اش را در صیدا و سپس بیروت و آن‌گاه در زحله چاپ می‌کرد. وی نام چاپخانه اش را بعداً به «چاپخانه آل ابراهیم» تغییر داد.^{۱۶}

در آن زمان چاپخانه در جبل عامل بسیار اندک بود. نشریه «المرج» در مرجعین چاپخانه کوچکی به نام مجله اش داشت که چندان دوام نیاورد، زیرا از آغاز سال ۱۹۳۰ مجله مزبور در چاپخانه مجله «العرفان» در صیدا چاپ می‌شد.^{۱۷} این چاپخانه

قرن بیستم حرکت مطبوعاتی محلی در خور توجهی در منطقه جزین و مرجعین به وجود آمد. در ماه اوت سال ۱۹۲۰ نخستین شماره هفته نامه «الأنفاق» به دست دو تن از وكلا به نام های سعید رزق و حبیب ناصیف منتشر شد که به مباحث ادبی می‌پرداخت و گاه توجهی به مسائل کشاورزی و سیاسی هم داشت. شش سال بعد یکی از شخصیت‌های دینی منطقه مجله ادواری «الشلال» را به راه انداخت.

در سال ۱۹۲۷ در مرجعین جمعیت کوچکی، مجله ای به نام «النهضة المرجعیونه» نشر داد که اندکی پس از نشر مجله، چاپخانه کوچکی هم برای خود دست و پا کردند. در همین سال در صیدا نشریه ای به نام «ابودلامه» نشر یافت.^۹ در اوت سال ۱۹۳۱ نخستین شماره نشریه بلند پروازی به نام «القلم الصریح» در مرجعین منتشر شد. مؤسس آن جوان ارتودوکسی به نام آلفرد ابوسمر بود که عرق ملیت عربی و اتحاد با سوریه را در سرداشت و می‌خواست نشریه اش ملی و ضد استعماری باشد و مشکلات مردم را حل کند و به سبب نزدیکی با اهل فرهنگ و وطن خواهان توانست همکاری شخصیت‌های ادبی جبل عامل امثال احمد عارف الزین، احمد رضا، سلیمان ظاهر، موسی الزین شراره و دیگر صاحبان قلم معتبر منطقه چون فخری بارودی را به دست آورد. مؤسس مجله توانست آن را تا سال ۱۹۷۹ نشر دهد.^{۱۰}

نشریات دیگری در جبل عامل پا به عرصه نهاد یا به اهتمام جبل عاملی‌ها نشر یافت که دوام نیاوردند، از جمله «صدی الجنوب» بود که در سال ۱۹۳۷ منتشر شد ولی دوام نیافت. در دهه چهارم و پنجم قرن بیستم در منطقه شقراء چهار نشریه کم دوام به دست افرادی از خاندان امین منتشر شد که عبارت بودند از: «الحقل» از عبدالکریم الامین، «ابوالکشاکش» از کارهای جعفر الامین، «النحله» از مرتضی الامین و «الخنساء» که نشریه زنانه بود، از سکیته الامین.^{۱۱}

نخستین مجله ای که در صور منتشر شد «المعهد» بود که در سال ۱۹۴۵ به کوشش فرزند علامه عبدالحسین شرف الدین (جعفر شرف الدین) منتشر شد و چهار سال ادامه یافت.^{۱۲} البته برادر وی به نام محمد رضا ده سال قبل در سال ۱۹۳۵ در بغداد مجله ای به نام «الدیوان» منتشر ساخته بود که رئیس هیئت تحریریه آن برادر دیگرش صدرالدین شرف الدین بود که در سال ۱۹۴۴ در بغداد روزنامه ای به نام «الساعة» را منتشر کرد و در سال ۱۹۵۰ مجله ادبی «الألواح» و در سال ۱۹۵۲ مجله هفتگی «الساعة» را منتشر نمود که پس از شماره دوم متوقف شد و صدرالدین شرف الدین به صور رفت و در آنجا از سال ۱۹۵۵ نشریه «النهج» را نشر داد.^{۱۳} در سال ۱۹۳۰ شاعر پر آوازه جبل عاملی به نام محمد علی

۹. همان و تطوّر التعليم والثقافة، ۳۳۸-۳۴۲. مصطفی بزی.
 ۱۰. من دفتر الذکریات الجنوبيه، ج ۱، ص ۸۳ (المجلس الثقافی للبنان الجنوبي)، مقاله «مرجعین الرائدة» از آلفرد ابوسمر.
 ۱۱. تطوّر التعليم والثقافة، ص ۳۴۲.
 ۱۲. من دفتر الذکریات الجنوبيه، ج ۳، ص ۴۶، جعفر شرف الدین.
 ۱۳. وجوه ثقافية من الجنوب، ج ۲، ص ۱۲۳-۱۲۴ (نشر المجلس الثقافی للبنان الجنوبي).
 ۱۴. الحركة الفكرية والادبية في جبل عامل، ص ۲۰۹.
 ۱۵. العرفان، ج ۳۲، ش ۲، ص ۱۲۱.
 ۱۶. المهاجر العمالي الشيخ حبیب آل ابراهیم، ص ۹۶، المستشارية الثقافية للجمهورية الايرانية في لبنان، بیروت، سال ۱۹۹۷، مقاله «الشيخ حبیب آل ابراهیم» از حسن نصر الله.
 ۱۷. الحركة الفكرية والادبية في جبل عامل، ص ۲۰۷.

مورد توجه شخصیت های صیدا قرار نگرفت و به مؤسس مجله صریح گفتند: به جای نشر مجله ای که نیازی بدان نیست، بهتر است در بین نیازمندان نان توزیع کنی. ۲۶ در روستاها و شهرهای جبل عامل مخالفت فزون تر بود و علمای غیر اصلاح طلب به طور مرتب علیه مجله یورش داشتند.

احمد عارف الزین در مقاله ای با عنوان «الصحافه» به این اعتراض ها پاسخ داد و در آن مقاله روزنامه را مدرسه ای برای وطن تلقی کرد که علم و ادب و تربیت در آن تدریس می شود و بر پیروی از عادت های نیکو و کار خیر و اخلاق و رفتار نیکو و بهره گیری از حوادث روزگار تأکید می شود و نمی توان آن را بدعت دانست. ۲۷ از این پاسخ احمد عارف الزین و واژه هایی که به کار گرفته و مخصوصاً واژه بدعت به دست می آید که عالمی یا عالمانی کار او را بدعت تلقی می کردند و ناشر مجله بر خود لازم دیده است که این اتهام را پاسخ بگوید. در برابر این عالمان علمایی بودند که کار و تلاش احمد عارف الزین را تأیید می کردند. بعضی از این تأیید کنندگان مجتهدانی چون عبدالحسین شرف الدین و محسن الامین بودند که از آغاز انتشار مجله در آن مقاله می نوشتند.

احمد عارف الزین در شرح حال کوتاهی که از خود در ماه اکتبر سال ۱۹۱۱ در مجله «العرفان» منتشر کرد یادآور می شود که از سه سال پیش به فکر ایجاد مجله «العرفان» افتادم، زیرا کشور را به شدت نیازمند به آن می دیدم به ویژه جمعیت شیعه را که در آن روزها هیچ نشریه ای نداشت تا باورهای درست شیعی و

۱۸. تاریخ صیدا، ص ۱۵۳، احمد عارف الزین.

۱۹. کتاب اللهوف علی قتلی الطفوف از علی بن طاووس بغدادی.

۲۰. ر. ک.

silvia naef, Unreformiste chiite-Munammad Husayn "al Kasif al-Gita" P5a.

۲۱. الشيعة وفنون الإسلام، العرفان، صیدا، لبنان، ۱۳۳۱ هـ ق؛ المسائل المهمة فی العبادات والمعاملات، همان، سال ۱۳۳۹، چاپ دوم.

۲۲. آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، جزء اول، چاپخانه العرفان، الصیدا، سال ۱۳۵۱.

۲۳. رسالة فی احکام العبادات والمعاملات، العرفان، صیدا، ۱۳۵۲.

۲۴. الحركة الفكرية والادبية، ص ۲۱۰.

۲۵. چاپخانه و انتشاراتی العرفان تعطیل شد، اما مجله همچنان در بیروت منتشر می شود. پس از درگذشت احمد عارف الزین در سال ۱۹۶۰ پسرش نزار الزین آن را تا سال ۱۹۸۱ که درگذشت اداره می کرد و پس از آن برادرزاده اش فؤاد الزین اداره می کرد. از سال ۱۹۸۷ به سبب جنگ متوقف گشت، ولی دوباره از سال ۱۹۹۲ میلادی انتشار آن از سر گرفته شد.

۲۶. ر. ک.

Kazim al Amin, "al-Irfan ou undemi-siecle d unc refue arabe..

e. these sactylogra Phice de 3 e cycle .

۲۷. العرفان، ج ۲، ش ۱، ص ۲۸-۲۹.

را احمد عارف الزین پس از آنکه دو سال مجله خودش را در بیروت چاپ می کرد، در یازدهم دسامبر سال ۱۹۱۰ در شهر صیدا افتتاح کرد تا افزون بر چاپ مجله اش، کتاب های درسی و کتاب های دینی، ادبی و علمی را چاپ نماید.

احمد عارف الزین با این کار مؤسسه ای برای چاپ و نشر گشود که جبل عامل بسیار بدان نیازمند بود، زیرا کتاب در آن منطقه به شدت نایاب بود. مهمتر از آن اینکه کار احمد عارف الزین در خصوص تأسیس چاپخانه تأثیر خودش را در بیرون از منطقه جبل عامل نیز گذاشت و به همه جهان تشیع رسید. ۱۸ چاپخانه و انتشارات «العرفان» از آغاز سال تأسیس، کتاب هایی در ارتباط با میراث دینی شیعه از قبیل مقتل ابن طاووس و کتاب هایی از ادیبان و عالمان جبل عامل و متفکران شیعه عراقی را هم چاپ و نشر کرد. ۱۹ بعضی از این کتاب ها بازتاب گسترده ای در جهان تشیع داشت و حتی از سوی متفکران اهل سنت مورد نقد و گاه رد قرار گرفت، برای نمونه می توان به «الدین و الاسلام» یا «الدعوة الاسلامیه» شیخ محمد حسین کاشف الغطاء اشاره کرد که جلد نخست آن در سال ۱۹۱۱ نشر یافته بود، ولی بخش دوم آن را در بغداد اجازه نشر ندادند و در نتیجه به هنگامی که کاشف الفطاء در بلاد شام بود، چاپخانه و انتشارات العرفان آن را منتشر کرد. ۲۰ انتشارات مزبور در سال ۱۹۱۳ کتاب دیگری از همین نوع کتاب ها به نام «الشیعة وفنون الاسلام» حسن صدر را منتشر نمود. ۲۱ صدر نویسنده ای پر اثر است و این کتاب او از مشهورترین آثارش می باشد. انتشارات العرفان کتاب دیگری از مرحوم صدر به نام «المسائل المهمة فی العبادات و المعاملات» را منتشر نمود. همچنین این انتشارات دو کتاب - که عموماً هر مسلمان شیعه آن را در کتابخانه نگه می داشت - تفسیر آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن از محمد جواد بلاغی را به سال «۱۹۳۳ م / ۱۳۵۱ هـ ق» ۲۲ و الرسالة العملي فی الفقه میرزا محمد حسین نائینی ۲۳ را در همان سال منتشر کرد. در این دوره کتب دیگری از نویسندگان جبل عامل منتشر شد که اکثر آنها از همین چاپخانه و انتشارات بود و نیازی به یاد کرد آنها نیست. در صیدا چاپخانه دیگری به نام «الطبقة المصریة» بود که همچون چاپخانه «العرفان» به نشر کتب ادبی فراوان در موضوعات مختلف و کتاب های درسی دست می یازید ۲۴، ولی چاپخانه «العرفان» در نظر ادیبان و دانشمندان جبل عاملی همچون مجله «العرفان» از جایگاه ممتاز برخوردار بود. ۲۵

مجله العرفان زبان اصلاح طلبان

علی الزین پدر احمد عارف الزین از سوی حکومت عثمانی اجازه انتشار ماهانه مجله العرفان را به دست آورد و نخستین شماره آن در پنجم فوریه ۱۹۰۹ چاپ و نشر یافت. مجله در آغاز



دیدگاه صریح علما و نویسندگان شیعی را منتشر کند و شرح شخصیت‌های برجسته آن را بنویسد و گفتار جاهلان درباره خودشان را پاسخ دهد.^{۲۸}

از این سخن بنیانگذار مجله «العرفان» کاملاً روشن است که هدف وی آن بود که مجله زبان جمعیت شیعه‌ای باشد که تا آن روز هیچ صدایی نداشت.

فقدان ابزار اطلاع‌رسانی مختص به شیعیانی نبود که در آن مجله می‌نوشتند، بلکه شیعیان عراق هم که تعدادشان بیشتر و از سازمانی منظم‌تر برخوردار بودند، وسیله‌ای برای بیان دیدگاهشان نداشتند. به شهرهای مقدس عراق شمار زیادی از مجلات و روزنامه‌های قاهره، استانبول و نیز ایران و هند می‌رسید و نخستین مجله‌ای که در نجف منتشر شد مجله‌ای به نام «الغری» به زبان فارسی بود که یک سال بیشتر دوام نیاورد.^{۲۹}

نخستین مجله شیعی به زبان عربی که ماه مارس در سال ۱۹۱۰ در بغداد منتشر شد «مجله العلم» بود که مجله عرفان انتشار آن را تهیّت گفت^{۳۰} و بنیانگذار آن هبة الدین شهرستانی (۱۸۸۴-۱۹۶۵) شخصیت اصلاحگری که در نظر خوانندگان، کاملاً شناخته شده بود. خط مشی وی در مجله اش، گسترش علم و دفاع از اسلام بر پایه روش‌هایی بود که اصلاح‌طلبان پیشنهاد می‌کردند و دو مجتهد برجسته آن روزگار یعنی شیخ الشریعه اصفهانی و ملا محمد کاظم آخوند خراسانی آن را تأیید می‌کردند. مجله بازتاب و بیانگر مباحث اختلافی بود که در شهرهای مقدس در بین جلسات علما مطرح می‌گشت. از بدشانسی این مجله و تاحدودی مجله عرفان این بود که مجله بیش از دو سال ادامه نیافت و از این مجله به جز ۲۱ شماره منتشر نشد و بنا به گزارش سید محسن امین، بنیانگذار مجله روش اصلاحی در پیش گرفت که تا آن روز کسی چنین روشی را در پیش نگرفته بود^{۳۱} و پس از طرح مناظره‌ای که در آن دیدگاه موافق خود با اصلاحات را مطرح کرد، با عکس‌العمل‌های تندی مواجه شد به گونه‌ای که زندگی اش به خطر افتاد و مجبور شد عراق را به طور موقت ترک کند و مجله را متوقف نماید. در نتیجه در آن شرایط «العرفان» تنها مجله مهم برای شیعیان باقی ماند و تلاش کرد همچون مجلات مهمی چون «المقطم» و «المنار» که اوکی در سال ۱۸۷۶ و دومی در سال ۱۸۹۸ میلادی آغاز به کار کرد،^{۳۲} باشد.

هدف احمد عارف الزین گسترش آگاهی از دانش‌ها و اکتشافات جدید بود تا بدان وسیله مردم جبل عامل را از عقب ماندگی بیرون آورد و در منطقه‌ای که تاریکی سایه افکنده بود، نور گستراند؛^{۳۳} ولی وی به مباحث مربوط به جبل عامل بسنده نکرد و به دنیای بزرگ‌تر گام نهاد. وی از نشر مقالاتی که موجب تعصبات قبیله‌ای می‌گشت پرهیز کرد، زیرا به باور او شیعه

جزئی جدا ناپذیر از دولت عثمانی بود و چون سنیان و مسیحیان وابسته به آن حکومت بود.^{۳۴}

روشن بود که احمد عارف الزین به این موضوع آگاهی نداشت که بدون با ورود به نزاع با نویسندگان اهل سنت نمی‌تواند از شیعه دفاع کند و تصمیم او کاملاً نادرست از کار درآمد، زیرا مجله‌اش به زودی جایی برای مناظره بین نویسندگان شیعه و سنتی گشت و صاحب مجله «العرفان» در هر صورت به هیچ‌گونه رقابتی دست نیازید و انتشار هر نوع دیدگاهی را حتی اگر برخلاف نظریه شان بود می‌پذیرفت، بلکه صفحات «العرفان» برای نویسندگان همه مذاهب باز بود، گر چه، مجله یاد شده مجله‌ای شیعی به شمار می‌آمد.

احمد عارف الزین در آغاز از نظر مالی احساس امنیت می‌کرد و می‌پنداشت حق اشتراک‌ها و کمک‌های خوانندگان برای اداره مجله کافی است، ولی نتیجه کار چنین نشد و از نشر ماهانه آن بازماند. با تأسیس چاپخانه انتشار مجله «جریده جبل عامل» گرفتاری‌های مالی وی افزوده گشت و در سال ۱۹۱۲ در پایان جلد چهارم اعلام کرد که اگر حق اشتراک‌های باقی مانده پرداخت نشود، مجبور به بستن مجله خواهد شد. وی در سال بعد پس از آن که از انتشار مجله ناتوان گشت برای گریز از مصادره اموال و توییح سرزنش کنان به مزرعه پناهنده شد. اما درخواست وی در بیرون از منطقه جبل عامل، پاسخ مثبت یافت و شماری از شیعیان بغداد به یاری او شتافتند و در منطقه جبل انصاریه با تلاش یکی از شخصیت‌های دینی علوی به نام سلیمان الاحمد (۱۸۶۵-۱۹۴۲)، علویان آنجا با دویست اشتراک جدید به نجات «العرفان» شتافتند و مجله به یاری آنان در سال بعد دوباره انتشار خودش را آغاز کرد و برای اولین بار بازدهی مالی مثبت یافت.^{۳۵}

احمد عارف الزین به موازات مجله، روزنامه هفتگی در هشت صفحه بزرگ به نام «جریده جبل عامل» را منتشر کرد که مباحث مربوط به جبل عامل را در آن مطرح می‌کرد. ولی این هفته‌نامه به سبب مشکلات مالی و فشار رقابت متوقف شد و تنها ۴۳ شماره از آن چاپ شد و در بین سال ۱۹۱۲ هم به مدت یک ماه و نیم با نسبت

۲۸. همان، ج ۳، ش ۲۱، ص ۸۴۱.

۲۹. مافی النجف وحاضرها، ج ۱، العرفان، ۱۳۵۳.

۳۰. العرفان، ج ۲، ش ۶، ص ۳۱۷.

۳۱. الأهیان، ج ۱۰، ص ۲۶۱.

۳۲. ر. ک.

silvia naef, "La presse en Kant que Moleur au renouveau culture et litteraire" P.197.

۳۳. همان، ص ۳۹۲.

۳۴. همان، ص ۳۹۴.

۳۵. العرفان فی ربع قرن العرفان، ج ۲۵، ص ۸۸۵، (۱۹۳۵ میلادی).

دانش های روز داشته باشند، آگاه بود پیش دستی کرده و به پاسخ این ایرادهای احتمالی می پرداخت و یادآور می شد که دین به دانش های روز فرامی خواند.^{۳۸} احمد عارف الزین به این روش مجله اش را در چارچوب تلاش برای آشتی بین سنت و مدرنیته قرار داد و در عین حال جنبه دفاع از اسلام هم بدان داده بود.

احمد عارف الزین به شدت وحدت بیشتری اندیشه خودش را در مورد لزوم تجمع، گردهمایی و بهره گیری از آزادی هایی که دولت در زمینه اصلاحات داده بود، پی گرفت و در عین حفظ ارتباط با عثمانی ها به ایجاد مجامع ادبی و بدون تبعیض نژادی یا دینی دست یازید و دولت به این قبیل تلاش ها کمک می کرد. احمد عارف الزین باشگاه «دارالعلوم» مصر را که در آن درباره زبان عربی، ترجمه، و اژه های دخیل و چاپ و نشر کتاب بحث و بررسی می شد، به عنوان نمونه و الگوی مطرح می کرد.^{۳۹}

صاحب مجله «العرفان» در شماره دوم مجله با تندری بیشتری نمود پیدا کرد و از روش تند و نوع استدلال هایی که ارائه کرده، می توان احساس کرد که وی در پی ردّ تهاجمی است که بر شماره نخست مجله اش وارد شده. او نه تنها عقب نشینی نکرد، بلکه در فراخوانی به دانش های روز از انواع گوناگون استدلال بهره گرفت. وی نخست به قرآن استشهاد کرد و از آیه «هل یستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون» بهره گرفت و پس از بررسی عقل و سنجش دعوت به پیشرفت را پی گرفت و از خوانندگان خواست تا درباره چگونگی دستیابی ژاپنی ها به پیروزی و پیشرفت در سایه دانش، دقت و تحقیق کنند و به تویخ و سرزنش علما و شخصیت هایی پرداخت که می توانستند به اصلاحگری فراخوانند اما به وظیفه واجب خود اقدام نمی کردند. وی علما را نصیحت می کرد که دست به تأسیس مدارس و تدریس دانش های روز و علوم دینی، پیش از آنکه جوانان فرهنگی از آنان دور شوند و تشکلی علیه آنان و علیه دین ایجاد کنند، بیازند. او از آنان می پرسید که بر پایه کدام دلیل، علوم عقلی را رد می کنند و می گفت: «اگر نیک بنگرید خواهید دید که این علومی که از آن گریزانید و مردم را از آن دور می کنید، در این روزگاری که شوکت مادین بیشتر گشته است و برای انسانیت و دین خطری گشته اند، متمم و یاور دین هست» و خطاب به اشراف و بزرگان می گفت: روزگار تکبر سپری شده و دوره کار رسیده است، بنابراین باید به ساختن مدرسه اقدام کنند.



۳۶. همان، ص ۸۸۴.

۳۷. من دفتر الذکریات العامیه، ج ۱، ص ۶۵ (سال ۱۹۸۱)، موسی الزین شراه.

۳۸. العرفان، ج ۱، شماره ۱، ص ۶-۱۰.

۳۹. همان، ص ۴۶-۴۸، دارالعلوم در سال ۱۸۷۲ در قاهره تأسیس شد و همچون انجمن معلمان بود.

اتهام «تهمت و نشر اکاذیب» از سوی حکومت عثمانی به مدیر آن متوقف گشت. ۳۶ هفته نامه «جبل عامل» در آن سال نقش جدی در گسترش آگاهی داشت، زیرا در دوره ای که پاره ای از ادیبان و شخصیت های جبل عاملی و دیگر پیروان دولت عثمانی که به انقلاب افسران جوان ترک امید بسته بودند و امیدشان به ناامیدی تبدیل گشته بود و در نتیجه موضع انتقادی علیه حکومت داشتند، به نوشتن مقاله در آن هفته نامه پرداخته بودند. هفته نامه این موضع گیری انتقادی را تأیید کرد و به نشر آن در جبل عامل پرداخت و مردم این قبیل مباحث عمومی را در نشست های خانگی یا در قهوه خانه ها می خواندند و دیدگاهشان را در حاشیه آن مطرح می کردند. مجله «العرفان» و هفته نامه «جبل عامل» در ایجاد عزم ملی در منطقه ای که تا آن روز هیچ نشریه ای نداشت، نقش جدی داشت. افزون بر اوضاع مزبور، بررسی مباحث روز بهترین وسیله برای عادت دادن مردم به خواندن روزنامه و آن را مرجع دیدگاهشان قرار دادن بود. موسی الزین شراره، شاعر جبل عاملی در بحث از دهه اول قرن بیستم، چنین به نقش مجلات گواهی می دهد: مردم مجله را به نام نوع نامگذاری کرده و آن را «الکزیطه» (برگرفته از واژه Gazette) می گفتند، چون اسم دیگری برای آن نمی شناختند و اگر خبری می شنیدند می گفتند «عرفان گفته است» که این بیانگر آن است که مجله «العرفان» به حق به وسیله ای برای انتقال نظر همگانی تبدیل گشته بود.

شاعر پس از آن یادآور می شود که نسل وی اگر به شناختی درباره خارج دست یافته به فضل مجله «العرفان» بوده است. افزون بر آنکه «العرفان» دست دانش آموختگان نخستین جبل عامل را گرفت و آنان را به نوشتن تشویق کرد و مجله برای آنان «مدرسه ملی و اصلاح طلب» بود.^{۳۷}

دعوت به اصلاح گری

سه جلد نخستین مجله «العرفان» انباشته از دعوت به اصلاح است و احمد عارف الزین با الهام از این روحیه، سر مقاله آنها را می نوشت و با هر امکانی که در دست داشت و از هر راهی بر اقتناع خوانندگان به اینکه باید قدرت امتناع و آن گاه قدرت بر حماسه و غیرت و سپس قدرت بر خشم و قدرت بر اعتراض داشته باشند و در این راه از به کارگیری ترس و وحشت باکی نداشت. او بر این باور بود که به یمن آزادی که اتباع دولت عثمانی به دست آورده اند بر حرکت در مسیر پیشرفت توانا گشته اند و آنان را به حرکت تشویق می کرد. در نگاه او پیشرفت در علم و انتشار آن متمرکز بود و از نخستین سر مقاله مجله «العرفان» به توضیح و تبیین اندیشه خود مبنی بر غیر انحصاری بودن دانش های عقلی برخلاف دانش های نقلی در ملتی پرداخت. وی ثروتمندان را به ایجاد مدارس، باشگاه های علمی و کتابخانه ها فرامی خواند و با توجه به آنکه به اعتراض هایی که ممکن بود بعضی از شخصیت های دینی یا پاره ای از مسلمانان پارسا و سنتی در برابر